



# تربیت کودک





درس اول: دوران قبل از تولد

درس دوم: زمان تولد

درس سوم: نحوه ابراز محبت

درس چهارم: محدوده ابراز محبت

درس پنجم: آرامش

درس ششم: روش تأدیب

درس هفتم: بازی

درس هشتم: تعلیم آداب

درس نهم: دوران نوجوان (۱)

درس دهم: دوران نوجوان (۲)

درس یازدهم: دوران نوجوان (۳)

درس دوازدهم: دوست‌یابی



## ۱- درس اول: دوران قبل از تولد

### الف- قبل از ازدواج:

توجه در امر ازدواج انتخاب همسر مناسب جهت تربیت فرزندان صالح، بیان هدف اصلی ازدواج، بیان ویژگی‌های همسر صالح: ایمان، اخلاق نیک، اصالت خانوادگی، سلامتی روحی و جسمی و.....<sup>۱</sup>

### ب- دوران بارداری:

زمان وضع حمل برای طفل سرنوشت‌ساز است و تمام روحیات مادر در فرزند موثر است: پرهیز از گناهان و رذایل اخلاقی، پرهیز از هیجانانگیز و غم و غصه و اضطراب، تاثیر صفات اخلاقی بر فرزند، تاثیر لقمه حرام بر فرزند و.....<sup>۲</sup>

۱- اثر لقمه حرام: امام صادق(ع): درآمد حرام در اولاد اثر می‌گذارد<sup>۳</sup> یکی از بزرگان نقل می‌کند که چند روز قبل از شهادت شیخ فضل الله نوری در زندان به ملاقات ایشان رفت و به ایشان گفت که فرزندش لایبالی است که بر ضد او فعالیت می‌کند و تقاضای اعدام شیخ را دارد. شیخ فرمود علت این است که این فرزند در نجف متولد شد و چون مادرش شیر نداشت شخص دیگری به او شیر داد که بعدها متوجه شدند زن بی‌عفت و لایبالی است که کینه حضرت علی(ع) را به دل دارد این در فرزند ایشان تاثیر نهاد<sup>۴</sup>

۲- انتقال آرامش مادر در دوران بارداری بر جنین

۳- انتقال صفات اخلاقی نیک و بد مادر بر جنین<sup>۵</sup>

## ۲- درس دوم: زمان تولد

۱. محمدیان، بهرام، حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام، سازمان انجمن اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۷۷، صص ۱۸-۱۶

۲. مظاهری، حسین، تربیت فرزند از نظر اسلام، ام ابیها، قم، ۱۳۷۶، ص ۶۵

۳. نجفی یزدی، محمد، تربیت فرزند، عصر ظهور، ۱۳۷۹، ص ۱۶

۴. کریمی نیا، محمدعلی، الگوهای تربیت کودکان و نوجوانان، مولف، قم، ۱۳۷۵، ص ۴۰

۵. نجفی یزدی، همان، ص ۱۸ و ۱۷



- ۱- کامبرداری (تحنیک) که از سنت‌هایی است زمان تولد نوزاد کام نوزاد را با آن می‌کشایند که در روایات توصیه شده که با مقدار کمی از تربت امام حسین (ع) یا آب فرات باشد.
- ۲- انتخاب نام شایسته برای کودک: نام ائمه (ع) و...<sup>۱</sup> امام رضا (ع): خانه‌ای که در آن نام محمد و حسن و حسین و علی و فاطمه باشد فقر وارد نشود<sup>۲</sup>
- ۳- گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ نوزاد.
- ۴- شیردادن با وضو: به مادر شیخ مرتضی انصاری از علمای بزرگ شیعه گفتند که فرزندان به درجات بالایی از نظر علم و تقوا رسید گفت من ترقی بیشتری انتظار داشتم زیرا هرگز بدون وضو به او شیر ندادم.<sup>۳</sup>
- ۵- تامین آرامش کودک: همراه با آرامش و ملایمت، نوازش و ... برخورد کردن در زمان عصبانیت، پرخاشگری نکردن و...<sup>۴</sup> شیردادن به موقع، نظافت کودک،.....

### ۳- درس سوم: نحوه ابراز محبت

- ۱- بوسیدن: رسول اکرم (ص): هرکس فرزندش را ببوسد خداوند برایش ثواب می‌نویسد و اگر خوشحالش نماید در قیامت او را خوشحال خواهد کرد.<sup>۵</sup>
- ۲- هدیه دادن به فرزند و در تقسیم اول به دختر دادن، سپس به پسر، به علت حساسیت روحی دختران.....
- ۳- وفای به عهد و پیمان: رسول اکرم (ص) فرمودند: کودکان‌تان را دوست بدارید و به آنها مهربانی کنید و اگر وعده‌ای به آنها دادید باید حتماً عملی کنید و به آن وفا کنید زیرا آنها غیر از شما را روزی دهنده خود نمی‌دانند.<sup>۶</sup>

۱. محمدیان، همان، صص ۵۰-۴۸

۲. نجفی یزدی، همان، ص ۴۱

۳. همان، ص ۳۱

۴. مظاهری، همان، ص ۱۸۸

۵. اردکانی بهبهانی حائری، محمود، فرهنگ تربیت فرزند در اسلام، پیام مهدی، قم، ۱۳۷۹، ص ۱۲۹

۶. همان، ص ۱۳۱



- بدقولی در عهد و پیمان باعث بدبینی به خدا در آینده می‌شود. (بیان نمونه‌هایی از وفای به عهد)

۴- توجه به فرزند: از نظر قرآن و روایات و تاریخ ثابت شده که پدر و مادر نقش موثری در سعادت و شقاوت فرزند دارند.

رسول اکرم (ص) فرمودند: وای به حال فرزندان آخرزمان از دست پدر و مادرشان که به فکر دنیای فرزندان هستند ولی به فکر آخرت آنها و تربیت صحیح‌شان بر مبنای دین نیستند من از آنها بیزارم و آنها هم از من بیزارند<sup>۱</sup>

۵- نوازش کردن

۶- پرهیز از توهین و تحقیر فرزند، تمسخر فرزند، سرزنش و سرکوفت زدن به فرزند....

۷- عدم تبعیض بین فرزندان

۸- بازی کردن با فرزندان<sup>۲</sup>

۹- اظهار محبت زبانی: بی‌محبتی به فرزند باعث اعتماد فرزند به دیگران می‌شود و زمینه جنایتکاری و اعتیاد و..... در فرزند پدید می‌آید و افرادی بی‌اعتماد، بی‌شخصیت و عقده‌ای بار می‌آیند.

#### ۴- درس چهارم: محدوده ابراز محبت

- پرهیز از محبت‌های افراطی و تفریطی: محبت اگر در جای خود و به صورت صحیح صورت گیرد نه تنها اشتباه نیست بلکه آثار مثبتی دارد

#### **الف- محبت‌های افراطی:**

عواملی که باعث محبت‌های افراطی می‌شود عبارتند از: ۱- عمل کردن به خواسته‌های فرزند حتی در مواردی

۱. مظاهری، همان، ص ۴

۲. همان، صص ۱۸۴-۱۸۲



که به صلاح او نیست و این باعث جسارت و لجبازی او می‌شود راه صحیح اینکه با زبان نرم و محبت‌آمیز علت زشتی کار بیان شود ۲- توجه به خواسته‌های فرزند در مواردی که خواسته‌اش با تجاوز حق دیگران همراه است و این باعث طغیان و سرکشی او می‌شود<sup>۱</sup> ۳- تسلیم بی‌چون و چرای فرزند بودن ۴- در مقابل اعمال زشت او برخورد نکردن و سکوت کردن ۵- توجه بیش از حد در حال بیماری ۶- حمایت بی‌مورد از فرزند ۷- بی‌تفاوتی در برابر ارتکاب کارهای زشت و .....

### ب- محبت‌های تفریطی:

۱- عدم رعایت در تنبیه ۲- بی‌محبتی ۳- محدود کردن فرزند ۴- استفاده از روش دعوا و اقتدار... ۵- آگاه نکردن فرزند از اشتباهش و ....

### ۵- درس پنجم: آرامش

۱- تنظیم زمان خواب فرزند....

۲- بیان داستانهای شیرین و جالب زمان خواب و پرهیز از داستانهای ترسناک، زیرا باعث اختلال آرامش می‌شود.

۳- پرهیز از ایجاد سروصدا، تنظیم کردن نور مناسب در اتاق

۴- پرهیز از اجبار و تحمیل در کارها<sup>۲</sup>

۵- تغذیه سالم

۶- بهداشت و نظافت لباس و بدن و...<sup>۳</sup>

۷- توجه و تشویق کودک در برابر کارهای درست

۱. موسوی کاشمیری، همان، ص ۸۶-۸۵

۲. اردکانی بهبهانی، همان، صص ۷۰-۶۹

۳. امینی، ابراهیم، آیین همسرمداری، اسلامی، بی‌تا، ۱۳۵۴، صص ۱۹۴-۱۹۰



## ۸- آزادی دادن به فرزند<sup>۱</sup>

۹- توجه به کودک: در روایت است که روزی رسول اکرم(ص) زمان نماز عازم مسجد بودند که کودکان جلوی حضرت را گرفتند و گفتند همان طور که برای حسنین بازی می‌کنی با ما هم بازی کن، حضرت به اصرار کودکان قبول کردند. اصحاب در مسجد منتظر حضرت بودند بلال به سراغ حضرت آمد و ایشان را مشغول سواری به کودکان دید حضرت گفت کودکان را نران بلکه چند گردو به آنها داد و به جایش آنها را راضی کرد که به نماز برود.<sup>۲</sup>

## ۶- درس ششم: روش تأدیب

### الف- اصل تنبیه:

۱- روش اول عفو و گذشت است در دفعات اولیه، سپس تهدید، سپس قهرکردن و در نهایت استفاده از شیوه تنبیه

۲- بی‌اعتنایی: فرزندان باید چنان تربیت شوند و چنان از والدین محبت ببینند که با بی‌اعتنایی والدین به خود آیند، زیرا وقتی محبت شدید باشد بی‌اعتنایی والدین را نمی‌توان تحمل نمود.

۳- قهرکردن به مدت کم مثل یک ساعت: یکی از روش‌های تنبیه سخن نگفتن است. سه نفر از مسلمانان صدر اسلام به علت سستی و بی‌توجهی به شرکت در جنگ از سوی رسول اکرم(ص) این گونه تنبیه شدند که حضرت با ایشان صحبت نمی‌کردند و همین باعث پشیمانی و توبه آنها گردید.<sup>۳</sup>

۴- کتک زدن در جایی که هیچ روش تنبیه مؤثر نیست و این زدن نباید از روی خشم و غضب باشد بلکه صرفاً برای تنبیه<sup>۴</sup>

۵- بیان علت تنبیه: گاهی کودک از علت تنبیه مطلع نیست و این روش باعث تنفر و سرکشی در او می‌شود. امام

۱. علم الهدی، احمد، همسر داری و بچه‌داری، فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۶، صص ۵۲-۵۰

۲. کریمی‌نیا، محمدعلی، الگوهای تربیت کودکان و نوجوانان، همان، صص ۲۴۰-۲۳۹

۳. موسوی کاشمیری، همان، ص ۱۶۴

۴. همان





صادق(ع): تنبیه در جایی است که مربی نسبت به موضوع مورد نظر با فرزند سخن گفته و او را کاملاً توجیه کرده باشد.<sup>۱</sup>

۶- ریشه‌یابی علت عمل زشت و سعی در رفع آن با ملایمت.

#### ب- اصل تشویق:

- در قبال انجام کار نیک هدیه دادن و تشویق کردن جهت رغبت به انجام آن

#### ۷- درس هفتم: بازی

بازی از نیازهای طبیعی کودک است که بزرگترین سرگرمی دوران قبل از دبستان اوست. امروزه ثابت شده که کودکانی که به اندازه کافی بازی نمی‌کنند از رشد ذهنی مناسب بی‌بهره‌اند در بزرگی منزوی و گوشه‌گیر می‌شوند.

#### الف- اثرات بازی:

۱- توسعه ذهنی کودک ۲- یادگرفتن همزیستی مسالمت آمیز ۳- همکاری و همیاری با دیگران ۴- رعایت حقوق دیگران ۵- مراعات نظم و قانون ۶- دفاع از خود ۷- مسئولیت‌پذیری ۸- فراگیری آداب اجتماعی

بازی کودکان با والدین برایشان بسیار لذت بخش‌تر است. در روایات است که رسول اکرم(ص) به قدری به بازی با کودکان اهمیت می‌دادند که هنگام سجده وقتی حسنین بر پشت ایشان می‌رفتند ایشان سجده‌های خود را طولانی می‌کردند.<sup>۲</sup>

#### ب- انواع بازی:

۱- بازی‌های ورزشی ۲- بازی‌های فکری ۳- بازی‌های اجتماعی ۴- بازی‌های حرفه‌ای ۵- بازی‌های رقابتی

۱. همان، صص ۱۶۳-۱۶۲

۲. محمدیان، همان، صص ۱۲۵-۱۲۲



## ۶- بازی‌های خیالی<sup>۱</sup>

- هر یک از این بازی‌ها برای پرورش استعدادهای جسمی و روحی کودک مفید است و باعث تخلیه انرژی می‌شود.

## ۸- درس هشتم: تعلیم آداب

### الف- بیان آداب:

۱- آداب سفره و غذا خوردن ۲- آداب احترام به والدین ۳- سلام کردن و رعایت ادب ۴- آداب شیوه صحبت کردن با دیگران ۵- آداب نظافت و آراستگی ۶- آداب صلح‌رحم و مهمانی ۷- تعلیم فضایل اخلاقی چون عفو، گذشت و محبت و.... ۸- آداب نماز، وضو و دعا ۹- آداب شروع کار با بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم و شکر خدا و....<sup>۲</sup>

- بیان اهمیت احترام به والدین که حتی از یک اُف گفتن نهی شدند.<sup>۳</sup> امام صادق (ع): وقتی یعقوب (ع) برای دیدن یوسف (ع) به مصر آمد مقام ریاست مانع پیاده شدن یوسف شد و همین کار یوسف باعث شد که از نسل او پیامبری نیاید.<sup>۴</sup> بیان ترحم و مهربانی بر والدین، اطاعت، پرهیز از پرخاشگری و بلند نمودن صدا و....<sup>۵</sup>

### ب- راههای ایجاد محبت اهل بیت (ع):

۱- حضور در جلسات دینی و مراسمات شهادت ۲- بیان داستانهای ائمه (ع) و سیره و صفات اخلاقی شان ۳- کام‌گیری نوزاد با تربیت حسینی و آب فرات ۴- نام‌گذاری به نام اهل بیت (ع) ۵- آشنایی با قرآن و کتب ادعیه ۶- برپایی مراسم و تعظیم شعائر الهی در ایام ولادت و شهادت....<sup>۶</sup>

۱. همان، صص ۱۲۷-۱۲۶

۲. اردکانی بهبهانی، همان، صص ۱۵۸-۱۵۴

۳. اسراء- ۲۳

۴. نجفی یزدی، همان، تربیت فرزند، صص ۹۵-۹۰

۵. اردکانی بهبهانی، همان، ص ۱۸۱

۶. محدثی، جواد، عشق برتر، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱، صص ۲۸-۲۵



## ۹- درس نهم: دوران نوجوانی (۱)

راهنما:

در جامعه امروز، والین یا مربی نباید کودک را بغل کند و راه ببرد، نباید خودش به جای او ببیند و تصمیم بگیرد و تصمیماتش را به او تزریق کند و تحمیل کند، در این جامعه باید به کودک راه رفتن یاد داد، باید به او پا داد تا بدود، باید به او ریشه داد تا شاخ و برگ در آورد و در هر بهار، در هر فرصت مناسب، سبز شود، جوانه بزند و شکوفه‌های زیبایی بیاورد و بارور گردد. باید او را واکسینه کرد تا در محیط‌های مخالف، محیط‌های فساد، اثر محیط بر روی او اثر مثبت و سازندگی و مبارزه باشد، همانطور که مزاج واکسینه در برابر حمله میکروب‌ها مبارزه می‌کند و نیرومند می‌شود و اثر میکروب‌ها، همین نیرو دادن و سازندگی است.<sup>۱</sup>

● در فضای تربیت، ما به عنوان پدر و مادر، معلم یا مربی، تنها عامل نیستیم. کودک در تعامل با محیط، بسیار تأثیر می‌پذیرد. آیا راهی هست تا بتوان تأثیرهای محیط را مهار کرد؟ مهمترین گام، همسو نمودن روش‌ها با محیط است.

محیط گاه در برابر کار تربیتی ما، همسو و رام است، گاه در تضاد است و مهاجم.

● گاه بین همه نیروها و عوامل هم‌نوایی است یعنی چیزی را که من درخانه می‌گویم در مدرسه و از طرف همسایه و رسانه هم مورد تأیید است مانند زندگی‌های روستایی در گذشته و یا جوامع کمونیستی‌ای که کاملاً مدرسه و رسانه‌ها همه کنترل شده و بسته هستند. در این جامعه فرد با یک نوع تربیت مواجه است. این چنین توافق و هماهنگی موفقی، به شک و عصیان اجازه‌ی رویش نخواهد داد و کودک با این یقینی که در دوره‌های طفولیت خرمن کرده و به دست آورده تا دم مرگ و حتی پس از مرگ هم زندگی خواهد کرد و ادامه خواهد داد. در این بستر کودک هم آرام است هم پذیرا.

بدین روی در چنین محیطی کار تربیت ساده است. کافی است که با لطافت و تدبیر به دل کودک راه باز کنی و ارزش‌ها و یا خصلت‌های مطلوب را به او تزریق نمایی. و چون کسی نیست که با کودک درگیر شود و با شناخته‌ها و ساخته‌های او مخالفت نماید، طبیعتاً مبتلا به شکی هم نخواهد شد و به راحتی به آن مقاصدی که

<sup>۱</sup> . این درس و دو درس آینده برگرفته از مقاله کلیدهای تربیت آسیب‌ناپذیر، جواد فدایی، مجله کودک، شماره مهر ماه ۱۳۸۹.



برایش در نظر گرفته‌اند خواهد رسید.

• اما با تفاوت محیط‌ها، تحول در روش‌ها، ضروری است. در جامعه‌ای که هم نوایی وجود ندارد و سرشار از تضاد و درگیری است، محیطی است که فکرهای گوناگون با کودک رو به رو می‌شوند. او امروز از مادرش چیزی می‌شنود، پدر کارمندش چیز دیگری خواهد گفت، برادر دانشجوی او نیز حرفی دارد. هر کدام از خواهرها و برادرهای او حرفی و برنامه‌ای دارند.

در مدرسه هم، با استادهای رنگارنگ برخورد می‌کند که هر کدام با قیافه‌ای، پیامبر رسالت‌های گوناگون هستند، و می‌خواهند در تنهایی دل او بساط خود را پهن کنند، و می‌خواهند چیزی را به او تحمیل کنند و از سوی دیگر او با فشردن تنها یک کلید وارد فضای مجازی انواع رسانه‌ها می‌شود و با دعوت‌هایی مواجه می‌گردد که شاید در خیال او هم نمی‌آمد، اکنون تکنولوژی تمام مرزها را از بین برده است دیگر جامعه‌ی بسته قابل تصور نیست. جامعه امروز به یک دهکده جهانی تبدیل شده است.

در چنین محیطی که گاه کودکان از لحاظ روانی بی‌آرام و از لحاظ آموزش و یادگیری، بدبین و دیرباورند و گاه از لحاظ عاطفی سرسخت و خشن، آیا می‌شود تنها از خوبی‌های دین و مذهب گفت و به تعبد واداشت؟ آیا این ساده اندیشی نیست که همچنان تمام همت خود را بدون توجه به تفاوت روش‌ها در محیط‌های باز، به انتقال ارزش‌ها، آداب و سنت‌ها متوجه بداریم؟ آموزه‌هایی که به محض تغییر شرایط و مواجه شدن با زمزمه‌های مخالف و متنوع رنگ می‌بازد و کودک آسیب می‌بیند.

بویژه با عصیان دوره بلوغ، او دیگر حتی فرصت مطالعه و بررسی دوباره را به خود نمی‌دهد- که این‌ها را شنیده ایم - و براحتمی از آن‌ها می‌گذرد و مجذوب حرف‌های نویی می‌شود که نشنیده است. چرا که فرزند ما، ارتباط عاطفی عمیقی بسان ما، با این بایدها و نبایدها ندارد و به اندازه ما درکی از خوبی و بدی ندارد.

به هر رو تفاوت روش‌ها، در سیره رسول(ص) در جامعه بسته‌ی مدینه با سیره معصومین(ع) بویژه عصر امام صادق(ع) شواهد فراوان دارد.

## ۱۰- درس دهم: دوران نوجوانی(۲)

یا توجه به درس گذشته سؤال مهم این که در شرایط تازه امروز، چگونه با چه روش و تدبیری می‌توان کودک را در برابر آسیب‌های محیطی بیمه نمود و مصونیت بخشید؟ برای پاسخ و یافتن سرِ نخِ کلاف سردرگم ابتدا کمی روحیه‌ی تأثیرپذیر را می‌کاویم.



- نکته اول: افرادی که درون تهی هستند در محیط، به سرعت تغییر می یابند. کودکی که در برابر اندیشه ها و هجوم ها و دعوت ها تاب مقاومت ندارد. هر دوستی او را بسویی می کشد. اجازه می دهد دیگران بجای او تصمیم بگیرند، او هویت تابع دارد نه هویت مستقل. همیشه یا بیشتر اوقات دنباله روست، چنین کودکی بسیار آسیب پذیر است، زیرا خودباوری او ضعیف است و به عبارتی از **صلابت شخصیت** برخوردار نیست.

حال آنکه کودک محکم و قوی و با شخصیت، نمود ها و شاخص هایی دارد: در برابر محیط، اندیشه های مهاجم و دعوت ها مسلط است، رام نیست. نه تنها منفعل نشده بلکه عکس العمل نیز نشان می دهد. زمانی که در محیط متفاوتی قرار می گیرد، اجازه تحمیل نمی دهد، در برابر هر زمزمه ای چرا دارد و دلیل می خواهد. براحتی «نه» می گوید (مهارت نه گفتن از میوه های خصلت شخصیت است نه یک امر آموزشی)، می فهمد سپس عمل می کند. او در برابر مشکلات و گرفتاری ها از دست نمی رود، باور حل مشکل را دارد. خودش نقش راهنما، هدایت کننده و محور گروه را به عهده می گیرد.

- آنچه در افراد گروه اول باید لحاظ شود، لزوم تحول در آن ها است، تحولی که یک محور آن، شخصیت دادن به آنان می باشد. ریشه ضعف شخصیت بسیاری اوقات ناشی از نوع برخورد موجود در خانه و فضای زندگی است، فرزندی که با هر عصبانیت والدین، خستگی و بی حوصلگی آنان، به او ناسزا گفته شده و بر سرش فریاد کشیده اند به آسانی شخصیتی نمی یابد. بی احترامی، در مواقع بسیاری، موجب خرد شدن و فقدان شخصیت افراد می شود تا آنجا که او را به مرحله ای می رساند که در وجود خود گوهر ارزشمندی نیافته و با ورود به محیط، بلافاصله هم رنگ گروه می شود و به راحتی از همسالان خود متأثر شده و در محیط ذوب می شود.

اما فرزندی که از ابتدا شخصیتش حفظ شده، از ضعف های ناخواسته ای او چشم پوشی شده و حتی خسارت و ضررهای وارده از ناحیه ای او کوچک جلوه داده شده، به او احترام گذاشته اند، و با او مشورت کرده اند و یا اگر کار خوبی انجام داده از او تعریف و تقدیر نموده اند. **نبوغش را پذیرفته اند** اگر قضاوتی و یا نظری داده گونه ای توجه نموده اند که احساس حماقت نکند، همین امور به ظاهر ساده، در طولانی مدت اثرات مثبت بسیاری در شخصیت او خواهد گذاشت و او را از درون سرشار خواهد نمود. **شهامت اقدام و شخصیت برخورد و قدرت تحمل مسئولیت ها و تصمیم جبران شکست ها و ضعف ها، را در کودک زنده می کند؛**

- البته در تربیت کودکان نباید تنها به ذکر خوبی های آنان اکتفا کرد بلکه گاه او نیاز دارد تا مقابل همه تشویق شود تا ارزش هایش تثبیت شود. باید توجه داشت که فرزند نیاز به محبوب بودن دارد و والدین با تعریف، مقبولیت و محبوبیت او را تامین نموده و رابطه اش را با او تقویت می نمایند.



• در صورت کوتاهی ها، باید دانست برای ترمیم شخصیت های آسیب پذیر، احترام و تلقین به شیوه های مختلف، مستقیم و غیر مستقیم، بویژه غیر مستقیم نقش به سزایی دارد. مانند سپردن مسئولیت به فرد که با نوعی تلقین همراه است. موجب شخصیت یافتن آن ها می شود؛ مثلا در کلاس اگر دانش آموزی درس قوی دارد اما شخصیتی ضعیف دارد بهترین کار این است که درس دادن به دو نفر از بچه ها به او سپرده شود، تکلیف دو، سه نفر را او نگاه کند و مربی به او هم سخت بگیرد تا اینکه این مسولیت پذیری را برایش بارزتر نماید.

رسول اکرم ص می فرمایند: «اُكْرِمُوا اَوْلَادَكُمْ - فرزندانان را اکرام کنید»<sup>۱</sup>.

اگر می خواهید از شخصیت بالایی برخوردار شود از قدرت و زورتان در رابطه با او استفاده نکنید. به او احترام بگذارید، بزرگش بشمارید. به او بزرگی بدهید اگر می خواهید به او تذکر بدهید در زمان و فضای مناسبی و بدون آسیب زدن به روحیه اش این کار را انجام بدهید. این گونه، سخن شما در او مؤثر می شود.

• اگر در مقایسه می بینیم فرزندان دیگری نسبت به فرزند ما، حرف شنوی بیشتری از پدر و مادرشان دارند، چه بسا سرش همین است که نوع رفتار آن پدر یا مادر با فرزندش باعث شده حرفشان را بپذیرند. ولی - به عنوان مثال - برخوردهای من این گونه نبوده است. یک روز محبت کرده ام و یک روز تحقیر، یک روز به او پول که دادم، در حقیقت باج دادم، پول دادم تا خرابکاری دیروزم را جبران کنم.<sup>۲</sup>

### ۱۱- درس یازدهم: دوران نوجوانی (۳)

گاه کودک در برابر نفوذهای بیرونی مسلط است اما در برابر عوامل نفوذی درونی (علاقه ها و دلبستگی ها...) که در وجود او جا گرفته و خودی شده تسلیم می شود، چون چیزی هست که خیلی دوست دارد، دلش گروست لذا در برابر دعوت ها از پا در می آید. این وابستگی ها گاه حتی پنهانند و به چشم نمی آیند. و این ریشه اش عدم پرورش روحیه آزادمنشی در کودک می باشد.

<sup>۱</sup> . مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص، ۱۶۸.

<sup>۲</sup> . برای آگاهی بیشتر از اهمیت و راه کارهای پرورش شخصیت، می توان به آثار ارزشمند مرحوم استاد علی صفایی حائری، انسان در دو فصل و تربیت کودک و آثار رضا فرهادیان، بویژه «پایه های اساسی ساختار شخصیت انسان»، بوستان کتاب، چ دوم ۱۳۸۲، مراجعه نمود.



● نکته دوم مصونیت بخشی حقیقت طلبی است. کودک حرّ و آزاده، نمود هایی دارد: براحتی خطایش را می پذیرد. در بازی ها و مسابقات جر نمی زند. اگر روزی به اشتباهی پی برد، پی گیری نمی کند و لجاجت نمی ورزد و عقیده ای را بر عقیده ای ترجیح نمی دهد، مگر هنگامی که از رجحان و امتیازی برخوردار باشد. در تحقق این خصلت والدین و معلم، الگوی کود کند. بعنوان نمونه عذر خواهی یک پدر یا .. به خاطر اشتباه، از دیگران باعث می شود که کودک هم، زمانی که مرتکب اشتباه شد براحتی عذر خواهی کند. اما هنگامی که کودک در کلاس اشکال واردی را مطرح می کند و معلم می فهمد، اما مدام در حال رفو کردن و ماله کشیدن است، براستی چه خصلتی در شاگرد تثبیت می شود؟

شخصیت، اندیشه های بیرونی را راه نمی دهد و حریت، نیروهای درونی را به نقد می کشد و در برابرش سؤال طرح می کند که چرا؟ چه فایده ای دارد؟ و..؟ این چراها و سؤال ها پاسخ می خواهد. گاه کودک، با شخصیت و آزاده است. اما چون نمی تواند تحلیل کند و راه حلی بیابد، گرفتار می شود.

● نکته سوم:

**تفکر به معنای اندیشیدن، ضرورت نسل امروز ماست.** اولیائی که تربیت تحکمی دارند، و پاسخ ایشان در برابر چراهای کودک و دلیل خواستن او، در بیشتر موارد این است «همین که من می گویم» باید بدانند این حالت در صورت تکرار، در او نهادینه می گردد و فردا، در برابر تحکم همسالان خود و «بیا برویم» های محکم دیگران، چون و چرا نخواهد داشت.

آن هایی که با کودک گفتگو نمی کنند، برای او به میزان فهم او، توضیح نمی دهند، دلیل نمی آورند، یا در برابر سؤال هایی او برای خلاصی خود، سریع او را به جواب می بندند، و یا بخاطر محبت غیر حکیمانه، اجازه تجربه مشکلات را به نمی دهند و خودشان تمام مسئله های او را با دلسوزی! حل می کنند، توقع دارند کی و کجا کودکشان اندیشیدن و توان حل مسئله را بیآموزد؟

● براساس تربیت دینی و آموزه های فراوان در کلام و سیره معصومین (ع) مربی باید با ادبیات داستانی و نمایشی و یا هر قالب دیگری در کودک سه خصوصیت را بارور کند و این ها کلیدهای تربیت آسیب ناپذیرند:

۱- شخصیت و استقلال ۲- حرّیت و آزاد منشی ۳- تفکر و تحلیل.

هنگامی که کودک شخصیت داشته باشد تقلید نمی کند و تحت تأثیر هر حرفی و هر مکتبی و هر عقیده ای قرار نمی گیرد و هر راهی او را به خود نمی کشد و هر سنتی او را در خود هضم نمی کند.



او در برابر هر مسأله، چرایی دارد و در برابر هر عقیده، سنگری. او بر دریچه قلبش نشسته، نمی‌گذارد چیزی آن را اشغال کند و چیزی آن را پر کند و چیزی او را از خودش بگیرد. تفکر و تحلیل آن هم در زمینه حریت و آزادی و با خصوصیت شخصیت و استقلال، به نتیجه‌های بزرگی خواهد رسید.

• ما اگر بتوانیم به جای شعارهای سرد و یا تلقین‌های پنهان این احساس برخورد با مشکل و حل مشکل را به کودک و نوجوان بیاموزیم و توقع او را از دیگران به خودش بازگردانیم که دیگران هم بیش از او دستمایه‌ای نداشته‌اند، کار نو و ارزنده‌ای را آغاز کرده‌ایم.

• به طور کلی نحوه رفتار با نوجوان: ۱- مشورت با فرزند جهت افزایش شخصیت و حس اعتماد به نفس  
۲- سپردن مسوولیت به فرزند در سیره نبوی است که مسوولیت‌های مهم را به جوانان می‌دادند مثل اسامه بن زید و مصعب بن عمیر.

۳- یاری کردن فرزند در انتخاب دوست ۴- تربیت اقتصادی و مدیریت آن ۵- آشنایی با احکام حلال و حرام و کسب درآمد حلال ۶- یاد دادن انواع مهارت‌ها متناسب با ذوق نوجوان<sup>۱</sup> ۷- یاد دادن همسراری و بچه داری. ۸- تکریم شخصیت و احترام به فرزند ۹- پرهیز از امر و نهی صریح ۱۰- پرهیز از توهین و تحقیر ۱۱- آموختن اخلاق اسلامی به فرزندان ۱۲- تشویق به فراگیری علوم و اخلاق اسلامی و.....<sup>۲</sup> (همه موارد با توضیح)

## ۱۲- درس دوازدهم: دوست یابی

امام سجاد(ع): با ۵ نفر هم‌نشینی نکن: ۱- دروغگو؛ زیرا مثل سرابی دور را نزدیک و نزدیک را در نظرت دور جلوه می‌دهد ۲- فاسق و گنهکار؛ زیرا تو را به یک لقمه یا کمتر می‌فروشد ۳- بخیل؛ زیرا مال خود را در هر شرایطی از تو دریغ می‌کند ۴- احمق و کم‌عقل؛ زیرا به جای سود رساندن به تو در اثر حماقت ضرر می‌رساند. ۵- با کسی که قطع رحم کرده.

- بیان تاثیرپذیری دوست در اعمال و رفتار و دین

۱. محمدیان، همان، صص ۱۹۵-۱۷۶

۲. مظاهری، همان، صص ۱۹۴-۱۸۴





داستان: نقش دوست در از دست دادن ایمان: نجاشی فردی متدین و مومن، از شاگردان اهل بیت (ع) بود که در زمان امام علی (ع) می‌زیست و مرید حضرت (ع) بود. روزی در ماه رمضان برای نماز ظهر به مسجد می‌رفت که در مسیر راه دوست نااهل خود را دید که او را وسوسه کرد و از رفتن به مسجد منصرف نمود. سپس به خانه‌اش دعوت کرد با وسوسه او را شراب نوشاند و روزه‌ی ماه رمضان را قضا کرد و کم‌کم ایمانش را از دست داد.....<sup>۱</sup>

در روایت است که روز قیامت انسان از دوست نااهل به قدری پشیمان می‌شود که دست خود را می‌گزد و حسرت می‌خورد.